

# خطر مرگ زندگی زندانیان سیاسی زن را تهدید می کند! برای نجات آنان شتاب کنید!

## بیانیه احزاب کمونیستی و کارگری درباره فاجعه ملی اعدام زندانیان سیاسی همبستگی احزاب برادر با حزب توده ایران

احزاب کمونیستی و کارگری فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی را محکوم می کنند.

کشتار تقریباً همه رهبران حزب توده ایران، که رژیم ایران آنها را در سال ۱۹۸۲ خودسرانه دستگیر کرده، انزجار عمیق جنبش بین المللی کمونیستی و نیروها و عناصر مترقی و آزادیخواه سراسر جهان را برانگیخته است. این اوج جنایات رژیم است، که با نقض بی سابقه حقوق بشر نزد همگان رسواست.

رژیم ایران با کشتار بسیاری از بهترین فرزندان خلق ایران، که در پنج سال اخیر قربانی شکنجه های جسمی و روانی توصیف ناپذیر بوده اند، سیاست خودکامی، خیانت و ضد خلقی خود را به

سطح فاجعه ای ملی ارتقا بخشیده است. ما، احزاب زیر،

\* اعتراض شدید خود را علیه کشتار جمعی رهبران و کادرهای حزب توده ایران در زندانهای ایران ابراز می داریم؛

\* خواهان قطع بیدرتک کشتار توده ایها و دیگر زندانیان سیاسی ایران هستیم؛

\* آزادی فوری و بلا شرط همه زندانیان سیاسی ایران را خواستاریم؛

\* همبستگی خویش را با حزب برادر، حزب توده ایران، در پیکار دشوار آن علیه دیکتاتوری و سرکوبگری گسترده و بربرمنشانه رژیم ایران اعلام می کنیم؛

- |                                |                             |                                  |
|--------------------------------|-----------------------------|----------------------------------|
| * حزب مترقی خلق گویان          | * حزب کمونیست دومینیکن      | * حزب کمونیست آرژانتین           |
| * حزب کمونیست لبنان            | * حزب کمونیست سوئدان        | * حزب سوسیالیست متحد آلمان       |
| * حزب کمونیست لسوتو            | * حزب کمونیست شیلی          | * حزب کمونیست آلمان              |
| * حزب متحد کارگری لهستان       | * حزب کمونیست عراق          | * حزب کمونیست اردن               |
| * حزب پیشرفت و سوسیالیسم مراکش | * حزب کمونیست فرانسه        | * حزب کمونیست اسرائیل            |
| * حزب کمونیست مصر              | * حزب کمونیست فلسطین        | * حزب کمونیست آفریقای جنوبی      |
| * حزب کمونیست ویتنام           | * حزب کمونیست فیلیپین       | * حزب پیشاهنگ سوسیالیستی الجزایر |
| * حزب کمونیست هند              | * حزب کمونیست کانادا        | * حزب کمونیست السالوادور         |
| * حزب کمونیست هندوراس          | * حزب پیشاهنگ خلقی کستاریکا | * حزب کمونیست ایتالیا            |
| * حزب کمونیست پروان            | * حزب کمونیست کوبا          | * حزب کمونیست متحد ترکیه         |
|                                | * حزب کارگروائمالا          |                                  |

### اعتراض وسیع جوانان و دانشجویان مترقی جهان علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران

اعتراض سازمان های جوانان بیش از ۴۰ کشور جهان علیه کشتار زندانیان

اعتراض فدراسیون جهانی جوانان دمکرات علیه کشتار زندانیان سیاسی

همبستگی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات با زندانیان سیاسی ایران (در صفحه ۳)

۱ شادباش  
۹ به  
۸ هم میهنان  
۹ مسیحی

نو شدن سال میلادی را به همه مسیحیان ایران شادباش می گوئیم و امیدواریم سال ۱۹۸۹ برای هم میهنان مسیحی ما، سالی توأم با شادکامی و موفقیت باشد و دو شادوش دیگر مردم ایران در رزم مشترک بر ضد امپریالیسم و رژیم و اپسگرای "ولایت فقیه" و در راه برپایی "جنبه آزادی و صلح" به پیروزیهای بزرگی دست یابند.

حزب توده ایران در تاریخ سراهارزم و رنج خود، همواره از حقوق و آزادیهای همه اقلیت های قومی، نژادی و مذهبی از جمله مسیحیان ایران پشتیبانی کرده است و هیچگاه صفوف حزب، ما از وجود پیکارگران مسیحی خالی نبوده و در آینده نیز نخواهد بود.

باشد که همبستگی همه خلقهای ایران برای رهایی میهن در بند ما کازان افتد.



شماره ۲۴۰ نوره هشتم سال پنجم  
پس از شماره ۱۳۶۷/۱۰/۱۳ به ۲۰ ریال

### جایی که جنایتکاران خود را « حامی حقوق بشر » قلمداد می کنند

اخبار مربوط به قتل عام زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی، علیرغم تمام پنهانکاریها، در سراسر جهان منتشر شد و موجبات خشم و نفرت هر چه بیشتر بشریت ترقیخواه و انسان دوست را از این رژیم ددمنش فراهم آورد. تقبیح اعمال جنایتکارانه حکام جمهوری اسلامی آنچنان دامنه گسترده ای پیدا کرده که آنان را وا داشته است تا برای توجیه جنایات خود به میدان بیایند و با انواع مصاحبه ها و سخنرانی ها رژیم "ولایت فقیه" را به عنوان "بزرگترین حامی حقوق بشر" معرفی کنند.

در این مسابقه وقاحت و دروغپردازی که میان دست اندر کاران جمهوری اسلامی جریان دارد، هر یک دروغی بر دروغی که دیگری گفته، می افزاید. یکی می گوید که جمهوری اسلامی کاملاً حقوق بشر را رعایت می کند، دیگری مدعی می شود که دامنه حقوق انسانها در جمهوری اسلامی بسی فراتر از چارچوب تنگ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. اما علیرغم این، وجه مشترک تمام این اظهارات کلی گویی و فرار از پاسخ مشخص به مسائل و پرسشهای مشخص است. مقامات جمهوری اسلامی آنچاکه در برابر پرسش های مشخص خبرنگاران درباره سر نوشت قربانیان نشان فرار می گیرند، طفره می روند و به بهانه "عدم اطلاع"، از ارائه پاسخ خودداری می کنند. به عنوان مثال چند تن از مسئولین طراز اول رژیم در پاسخ به خبرنگاران از سر نوشت دکتر (ادامه در صفحه ۲)

جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند (در صفحه ۶)

# ما راه پرافتخار شهیدان توده ای را ادامه خواهیم داد!

جایی که جنایتکاران خود را "حامی ...

احمد دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، که چندی پیش در زندانهای رژیم به شهادت رسید، اظهار بی اطلاعی کردند و این در حالی بود که اخبار مربوط به این جنایت مدتها پیش در سراسر جهان منتشر شده بود.

محمد جعفر محلاتی، نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد، طی سخنانی در جلسه کمیسیون حقوق بشر، ضمن دعوت "نماینده" مخصوص حقوق بشر به مناظره، گفت: "دعوت به مناظره به آن منظور صورت گرفته است که به نماینده" مخصوص حقوق بشر ثابت شود که جمهوری اسلامی ایران در ده سال گذشته تعهدات قانونی خود را که اصول آن فراتر از اصول مربوط به حقوق بین المللی مخصوصا حقوق بشر می باشد، به نحو احسن ایفا نموده است" (کیهان، ۱۳۶۷/۹/۱۰).

بدنبال وی، هاشمی رفسنجانی طی گفتگویی با خبرنگار صدای جمهوری اسلامی، گفت: "دفاع از حقوق بشر بسیار مقدس است و بدیهی است هر کس وجدان انسانی داشته باشد (که حتما رفسنجانی از حد اعلا آن برخوردار است!) باید از حقوق انسانها دفاع کند و موضع جمهوری اسلامی نیز همین است" (کیهان، ۱۳۶۷/۹/۱۶).

مسئولین دروغپرداز جمهوری اسلامی باید به عوض "دعوت به مناظره" بطور صریح و مشخص درباره "نحوه" اجرای مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در ایران به مجامع بین المللی (از جمله سازمان ملل) گزارش دهند و روشن کنند که "تعهدات قانونی" آنان که گویا "فراتر از اصول مربوط به حقوق بین المللی" است، کدامند. آنان که در برابر افشاگری های مستند نیروهای انقلابی، از جمله حزب توده، ایران پاسخی ندارند، به تهمت و افترا متوسل می شوند و همه انسان های معترض به جنایات خود، در سراسر جهان را به عنوان "نوکری"، "وابسته" و "عامل استکبار" مورد عتاب قرار می دهند.

مادر اینجا دیگر بارها ذکر برخی از مهم ترین مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر، از حکام جمهوری اسلامی می طلبیم که درباره "نحوه" اجرای این مواد به مجامع بین المللی گزارش دهند. ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارد: "هر فردی به عنوان عضو جامعه محق است که از امنیت اجتماعی برخوردار باشد ..."

به جرات می توان گفت که در ایران امروز هیچکس - به جز غارتگران و سرکوبگران - از امنیت برخوردار نیست. ارگانهای سرکوبگر رژیم بانقض قوانین بین المللی و حتی قوانین خود تدوین و تصویب کرده، جمهوری اسلامی، هر کسی را که بخواهد، بازداشت و سر به نیست می کنند. کار بجائی رسیده که نه تنها مردم عادی، بلکه عناصر وابسته به حاکمیت نیز از تعرض آنان در امان نیستند. یکی از نمایندگان مجلس می گوید: "ما روحیه ای به وجود آورده ایم که هر کس برای اثبات اینکه مجرم نیست، همیشه باید یک کیف حاوی مدارک برائت خود ارائه دهد. زندانشجو گرفته تا نماینده مجلس، مدیرکل، رئیس، مجری، کارمند اداری و حتی فردی آزاد که می خواهد یک بقالی باز کند باید همیشه کیفی در دست داشته باشد که ثابت کند مجرم نیست."

به نظر می رسد آنچه نقل شد برای روشن کردن حدود "احترام به حقوق بشر" که سخنگویان رژیم مدعی آنند، کافی باشد. گوینده "این سخنان نه از عوامل استکبار" بلکه یکی از نمایندگان "متدین" مجلس شورای اسلامی است. در کشوری که نمایندگان مجلس مقننه آن باید برای اثبات

"برائت" خود "کیفی حاوی مدارک و اسناد" همراه داشته باشند، نحوه برخورد با دگراندیشان و آزادیخواهان روشن است.

ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشعار می دارد: "هر انسانی از حق بیان آزاد نظر برخوردار است. این حق شامل آزادی گرویدن بی دغدغه به هر عقیده و دریافت و انتشار اطلاعات و ایده ها ... بدون ملاحظه مرزهاست."

طبیعی است که منظور نظر از "حق بیان آزاد نظر" در ماده فوق، بیان آنها در چهار دیوار منزل نیست. بیان آزاد نظر فکری می تواند از طریق مجامع، گردهمایی ها، میتینگ ها و مهم تر از همه انتشار آزاد مطبوعات تحقق پذیرد. اکنون سالیانست که مردم ایران از این حقوق محرومند. تمام روزنامه ها، مجلات و نشریات - به جز آنهایی که توسط رژیم اداره می شوند - توقیف گشته اند.

در ماده ۲۲ (بند ۴) اعلامیه جهانی حقوق بشر از جمله آمده است: "هر انسانی حق دارد برای دفاع از منافع انجمن های صنفی تشکیل داده و به چنین انجمن هایی بگردد". در ماده ۲۰ این اعلامیه نیز آزادی "انجمن های دارای هدف های صلح چوینانه" تضمین می شود.



در جمهوری اسلامی، تمام انجمن های صنفی، اعم از اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری، دانشجویی، کارمندی و ... که در دوران انقلاب بهمین از سوی مردم تشکیل شده بودند، توسط ارگانهای سرکوبگر منحل و بسیاری از رهبران و زندانی و یا حتی اعدام گشته اند. امروزه در ایران به غیر از نهادها، شوراها و انجمن های "اسلامی" وابسته به رژیم هیچ انجمن صنفی از حق آزادی فعالیت برخوردار نیست.

در مواد ۲ و ۵ این اعلامیه گفته می شود: "هر انسانی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد ... کسی را نباید شکنجه کرد."

تاکنون دهها هزار نفر در جمهوری اسلامی شکنجه و اعدام شده اند. اسامی بخشی از آنان از سوی نیروهای انقلابی انتشار یافته و در اختیار

مراجع بین المللی قرار گرفته است. بدلیل مخالفت رژیم "ولایت فقیه" هیچ مرجع حقوقی بین المللی امکان آن را نیافته تا درباره "سرنوشت قربانیان رژیم به تحقیق بپردازد. اکثریت قاطع متهمین در جمهوری اسلامی از حقوق پیش بینی شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر (مواد ۸، ۹، ۱۰، ۱۱) و حتی قوانین جمهوری اسلامی، درباره حق برخورداری از دادرسی علنی و آزادانه محروم شده اند. رژیم به اسناد و اطلاعات افشاگرانه درباره "نحوه" رفتار با زندانیان سیاسی، که از سوی نیروهای انقلابی انتشار می یابد، با توطئه سکوت پاسخ می دهد.

جمهوری اسلامی هیچگاه در این باره توضیحی به افکار عمومی ایران و جهان نداده است که چرا جریبان رسیدگی به اتهامات زندانیان سیاسی در پشت درهای بسته انجام می گیرد آنهم در حالی که جنایتکاران و قاچاقچیان از حق دادرسی و انتخاب وکیل برخوردارند.

در ماده ۱۸ اعلامیه مذکور گفته می شود: "هر انسانی از حق آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار است. آزاد است که مذهب یا اعتقادش را تغییر دهد."

برخلاف آنچه صریحا در ماده فوق انعکاس یافته، در زندانهای جمهوری اسلامی انسانها را - می دارند تا بین تغییر اعتقادات و زندگی یکی را برگزینند. آنان یا باید اعتقادات قرون وسطایی و ارتجاعی حکام و افسرهای جمهوری اسلامی را بپذیرند یا اینکه اعدام شوند. رفیق شهید دکتر دانش در نامه ای که بهنگام بازداشت در زندانهای رژیم نوشته، از جمله به همین امر اشاره کرده و می گوید: "در کیفرخواستی که برای من تدوین شده ... در بند آخر به عنوان یکی از موارد جرم اینطور مطرح شده است که چون "نامبرده بر سر اعتقادات خود باقی است، برای وی تقاضای مجازات شرعی می شود". چند ماه بعد رفیق دانش به همین "جرم" به جوخه آتش سپرده شد.

وضع درباره کسانی که به اصطلاح "آزاد" اند، بهتر از این نیست. اعتقادات جوانانی که می خواهند در دانشگاه ها و مدارس عالی تحصیل کنند، مورد تفتیش قرار می گیرد. "تحقیقات محلی"، انواع پرسش نامه ها و تعهدنامه ها بخشی از فشار سرکوبگرانه رژیم در سلب آزادی اعتقادات و وجدان است. کارگران، کارمندان، استادان، نظامیان و ... باید متون رسالت پوشیده، خمینی و دیگران را - که خود وی و بسیاری از روحانیون بارها از عدم تطابق آنها با واقعیات زندگی و شرایط امروز جامعه انسانی سخن گفته اند - آموخته و در امتحانات مربوط شرکت کنند. علیرغم تمام شعارهای آزادی خواهانه رژیم، هنوز هم بسیاری از آنان در صورت ناتوانی از پاسخ دادن به پرسشهایی از قبیل "شرایط سنگسار، مستحبات و ..."

محل کار خود را از دست می دهند و به خیل بیکاران اضافه می شوند. حتی کسانی که می خواهند به عضویت هیئت مدیره تعاونی های مصرف محلات و کارخانه ها (که یک امر صرفا صنفی و محلی است) انتخاب شوند، باید تعهد کتبی بدهند که پیش از آن عضو هیچ گروه و حزبی نبوده اند. آنچه بر سر آمده شد، فقط گوشه ای از نقض هولناک حقوق انسانها در جمهوری اسلامی را بازگو می کند. می توان عملکرد رژیم را درباره "بند بند اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد بررسی قرار داد. اما به نظر می رسد نیازی به این کار نیست، یاوه سرایی رفسنجانی ها و محلاتی ها بی پایه تر و مضحک تر از آن است که بتواند کسی را متقاعد کند. سران مرتجع جمهوری اسلامی با توسل به هیچ شیوه ای نمی توانند دستان خون آلود خود را پنهان کنند.

# اعتراض وسیع جوانان و دانشجویان مرفعی جهان علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران

## اعتراض سازمان های جوانان بیش از ۴۰ کشور جهان علیه کشتار زندانیان

ما، امضا کنندگان زیر، نمایندگان سازمان های جوانان و دانشجویان از اخبار وحشتناک کشتار زندانیان سیاسی ایران، خصوصا اعضا و رهبران حزب توده ایران، از جمله رفقا: جوانشیر، بهزادی، جودت، ذوالقدر، اعضا هیئت سیاسی وقت - و رفقا رزمیده، محمدزاده، دانش، اختر، ناظمی، از اعضا کمیته مرکزی حزب توده ایران و گروه زیاد دیگری توسط رژیم جمهوری

اسلامی اطلاع یافتیم. ما این اعمال وحشیانه و ضد انسانی را شدیداً محکوم نموده و از همه جوانان و دانشجویان مرفعی در سراسر جهان می طلبیم که صدای اعتراض شدید خود را علیه این جنایات بلند نمایند. امضا کنندگان نمایندگان سازمان های جوانان از کشورهای:

- اتحاد جماهیر شوروی، چکسلواکی، ویتنام، نیکاراگوئه، لائوس، اتیوپی، جمهوری دموکراتیک یمن، افغانستان، جوانان کنگره ملی آفریقا، آمریکا، کانادا، آلمان فدرال، سوئد، پرتغال، یونان، قبرس، ایرلند، ژاپن، استرالیا (۲ سازمان)، لبنان (۲ سازمان)، مصر، بحرین، سوریه (۲ سازمان)، اسرائیل، هند (۲ سازمان)، پاکستان،
- بنگلادش، سری لانکا (۲ سازمان)، سودان، زامبیا، جزایر موریس، سبالون، گرنادا، باربادوس، جامائیکا (۲ سازمان)، ونزوئلا، اورگوئه، شیلی، کلمبیا، آرژانتین، السالوادور، پرو، ناپب رئیس فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، ناشب رئیس اتحادیه بین المللی دانشجویان و دبیر کل اتحادیه سراسری دانشجویان آفریقا.

## اعتراض فدراسیون جهانی جوانان دمکرات علیه کشتار زندانیان سیاسی

بدینال دریافت خبر اعدام وسیع زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی تلگرام های فوری از جانب دبیرخانه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات به خامنه ای، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، و صلیب سرخ بین المللی ارسال گردید. متن تلگرام فدراسیون به خامنه ای به شرح زیر است:

اعدام جمعی زندانیان سیاسی در کشور شما اهلام می دارد. بر اساس اطلاعاتی که بدست ما رسیده است نزدیک به هزار زندانی سیاسی در ماههای اخیر اعدام شده اند و از جمله ف.م. جوانشیر، م. بهزادی، ح. جودت، ا. ذوالقدر، اعضا هیئت سیاسی و گروه زیاد دیگری از اعضای رهبری حزب توده ایران در میان اعدام شدگان هستند. ما خواهان قطع فوری اعدام ها، قطع شکنجه های وحشیانه و آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی ایران هستیم.

"دبیر خانه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات به نمایندگی از جانب مبلهونها جوان در سراسر جهان نفرت و اعتراض شدید خود را علیه

## اجلاس کمیته اجرایی فدراسیون جهانی جوانان دمکرات عرصه پرشوری از همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

اجلاس کمیته اجرایی فدراسیون جهانی از تاریخ ۲۹ نوامبر تا ۱ دسامبر در کیف - اتحاد جماهیر شوروی - برگزار گردید. در این اجلاس نماینده سازمان جوانان توده ایران نیز حضور داشت. وی در سخنرانی های خود شرکت کنندگان را در جریان آخرین تحولات ایران و از جمله موج نوین اعدام زندانیان سیاسی ایران قرار داد. در این اجلاس

نمایندگان بیش از ۵۰ کشور جهان - اعضا کمیته اجرایی فدراسیون - حضور داشتند. در سخنرانی های متعددی که توسط این نمایندگان صورت گرفت ضرورت همبستگی با زندانیان سیاسی ایران مورد تاکید قرار گرفت. نماینده سازمان جوانان توده ایران در سخنرانی خود در پلنوم کمیته اجرایی از جمله گفت:

"رژیم جمهوری اسلامی که از عاقبت خود سخت در هراس است موج نوینی از اعدام ها را علیه نبره های مرفعی سازمان داده است. از ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۸ تا کنون بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی در زندانهای ایران اعدام گردیده اند. رفیق کبومرث زرنشاس دبیر اول سازمان جوانان توده ایران از ما از همه شما می خواهیم تا همبستگی خود را با نخستین قربانیان این سیاست جنایتکارانه بود. در زندانیان سیاسی ایران و مبارزات قهرمانانه مردم عرض چند روز گذشته اخبار وحشتناکی از کشتار ما در این شرایط فوق العاده حساس تشدید کنید. جمعی زندانیان سیاسی ایران، توسط رژیم جنایتکار ..."

خیمنی، بدست ما رسیده است. تا کنون نام ۲۵ تن از رفقای ما از جمله رفقا: جوانشیر، بهزادی، ذوالقدر، جودت، از اعضا هیئت سیاسی و رفقا دکتر دانش، رزمیده، محمدزاده، اختر، ناظمی، از اعضا کمیته مرکزی حزب توده ایران در میان زندانهای ایران اعدام گردیده اند. رفیق کبومرث زرنشاس دبیر اول سازمان جوانان توده ایران از ما از همه شما می خواهیم تا همبستگی خود را با نخستین قربانیان این سیاست جنایتکارانه بود. در زندانیان سیاسی ایران و مبارزات قهرمانانه مردم عرض چند روز گذشته اخبار وحشتناکی از کشتار ما در این شرایط فوق العاده حساس تشدید کنید. جمعی زندانیان سیاسی ایران، توسط رژیم جنایتکار ..."

## صف آرائی در برابر مردم

همزمان با انتشار خبر قتل عام زندانیان سیاسی، مانورهای با عنوان "عملیات کمین و دفاع شهری" با شرکت ۶۰۰ هزار بسیجی در سراسر کشور برگزار شد. در جریان مانورها مردم حیرت زده شاهد "عملیات" گوناگونی بودند که بی آمد آنها وحشت و هراس عمومی بود. "سربازان گمنام امام زمان" و "عارفان عاشق" (بقول رفسنجانی) با یک رشته آرتیست بازی راه ورود و خروج شهرها را مسدود می کردند. در معابر عمومی و نقاط حساس ایست می دادند، "بازرسی" می کردند، به مراکز فرضی دشمن داخلی "هجوم" می بردند، "دشمن فرضی" را "پیروزمندان" دستگیر می کردند و با انفجارهای بی در پی ساختگی به "تخریب فرضی" میدانهای اصلی شهرها و نقاط مورد نظر خود می پرداختند. بطور نمونه "در میدان خراسان" (تهران) عملیات تسخیر ساختمان با شرکت ۲۵ هزار نیروی بسیجی و در حضور اقشار مختلف مردم به اجرا درآمد...

این مانورها، به فرماندهی سپاه، بر اساس کدام ضرورت و با چه هدفهایی انجام شد؟ چرا در درازای عمر این نهاد گسترده، برای اولین بار این مانورها برگزار گردید؟ این مانورها قدرت نمایی در برابر "دشمن فرضی" بود یا دشمن واقعی؟ این "دشمن داخلی" که رژیم آن را "خطرناک" می داند کیست؟

پاسخ ها روشن است. پیش از هر چیز باید تاکید کرد که رژیم از برآشفته شدن افکار عمومی در مقابل موج شدید اعدامها، که گاهی در ملا عام انجام می شود، در هراس است و هر آن منظر است که در گوشه و کنار کشور اعتراضها امن بگیرد. لب کلام اینکه رژیم احساس خطری کند.

"ضرورت" مانور برای ایجاد هراس در جامعه از شرایط عمومی حاکم بر کشور ریشه می گیرد. حاکمیت "ولایت فقیه" دریافت است که شانس زیادی برای اعمال دیکتاتوری و استبداد فردی ندارد. وی شاهد است که حتی پس از پذیرش بنقیه در ص ۸

کمیته اجرایی فدراسیون در مورد ضرورت تشدید همبستگی با مبارزات جوانان ایران و خصوصا همبستگی با زندانیان سیاسی ایران تصمیمات مهمی اتخاذ کرد. بر اساس این تصمیمات پوستر مشترکی با سازمان جوانان توده ایران در همبستگی با زندانیان سیاسی ایران از طرف فدراسیون انتشار خواهد یافت و از این پس روز ۱۶ آذر - روز دانشجو - روز همبستگی فدراسیون جهانی با مبارزات جوانان و مردم ایران خواهد بود.

در اجلاس کمیته اجرایی فدراسیون همچنین تصمیمات مهمی درباره ضرورت ایجاد تحول و دگرگونسازی در فدراسیون جهانی جوانان اتخاذ گردید. بر اساس این تصمیمات، کمیته ۱۷ نفره ای متشکل از اعضا کمیته اجرایی انتخاب گردید تا در عرض یکسال آینده بطور همه جانبه کار آینده فدراسیون جهانی جوانان را در عرصه های مختلف بررسی و پیشنهادات مشخص خود را برای نوسازی کار فدراسیون به اجلاس بعدی کمیته اجرایی تسلیم کند. نماینده سازمان جوانان توده ایران نیز با اکثریت مطلق آرا به عضویت این کمیسیون انتخاب گردید.

### جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

بادواره رفیق شهید ابوتراب باقرزاده

### آخرین درس فروتنانه



ره تاریک با باهای من بیکار دارد  
بهر دم زهر بایم راه را با آب آلوده  
به سنگ آکنده و دشوار دارد  
چشم باولی من راه خود را می سپارم  
جهان ناچنشی دارد رود هر کس به راه خود ...  
(نهما)

روحی لطیف چون شبنم و سرخست چون الماس. ظریف و هنردوست. بدله گو و نکته سنج. برای کسی که به سیمای جوان و برنشاطش می نگریست، باور کردنش مشکل بود که در برابر انسانی ایستاده که یک ربع قرن را در سیاهچالها گذرانده است. همان صفا، حجب و سادگی که با آن، زمانی که کودکی بیش نبود، راه باریک و سبزه گرفته روستای "چهره" را پشت سر گذاشته بود، با او بود رفیق باقرزاده متأخر عشق به زادگاه، عشق به میهن و عشق به انسانها بود. هر گاه سخنی از ما زانندان بود، چهره اش می شگفت. همه چیز را دمرد پرورش، چنگل های مه آلودش، سواحل بی انتهایش و مردمش. مردمی که مروری بهایی چون او را در دل خود پرورده بودند. و مگر بدون عشق آتشین به خلق و میهن می شد مصائبی آنگونه را تاب آورد...

### پاینده باد خاطره تابناک

### رفیق شهید یدالله نجفی

رفیق یدالله نجفی مقدم، یکی از اعضای بخون خفته حزب توده ایران بود که جان بر سر میثاق مقدس خود با حزب و خلقش نهاد. چنان باخت تا گوهر ایمانش راه تماشا بگذارد.

رفیق یدالله ۲۲ سال پیش در یک خانواده زحمتکش چشم به جهان گشود. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در شهر زادگاهش، پاهلسر، بپایان رساند. در تمام سالهای تحصیل از زمره دانش آموزان ممتاز و نمونه بود. هوش و استعداد سرشار، خوش ذوقی، خلاقیت و پویندگی بسیار و نیز خصوصیات انسانی برجسته اش سبب گردید تا به یکی از چهره های محبوب در میان جوانان شهر تبدیل گردد. پس از پایان دوره دبیرستان، برای ادامه تحصیل در مدرسه عالی تلویزیون راهی تهران گردید.

پس گران بردوش آنها نهاده بود: دفاع با گوشت و پوست، با صرف ذره ذره زندگی از حقانیت یک راه، یک اندیشه، یک باور خردمندانه و والا.

سالهای رنج. سالهای بیکار. سالهای صیقل گوهر وجود. چون دریا خود را پالودن. خواندن و آموختن. از منظومه های اساطیری یونان تا گوته و شکسپیر و گورکی، از فردوسی و حافظ و عطار تا عارف و فرخی یزدی، و لاهوتی. هر آنچه نیک و انسانی است، هر آنچه در خود نشانی از تپش روح انسان دارد را در خود گرد آوردن. و آنگاه به دیگران آموختن. تقسیم اندوخته ها با سرودهای جوان، آنان که با شور راه تراهی می گیرند... نسیم آزادی می وزد. عطر انقلاب به سیاهچالها می رسد. تکین های صیقل یافته از رنج در میان خلق اند. دیوان می گریزند...

آگاهی و شور مقدس انقلابی پای او را به سیاست و مبارزه کشاند. وقتی در سالهای پیش از انقلاب، جنبش خلق می رفت که اوچ بگیرد، او دیگر چهره حزب توده ایران را شناخته و سنکر مبارزه خویش را یافته بود. یدالله فعالیت سیاسی سازمان یافته خود را در صفوف "سازمان نوید" آغاز کرد و با پیروزی انقلاب در دامن حزب بیکارش را ادامه داد.

یدالله رفیق شایسته بود که در سالهای فعالیت خود، همواره وظایف حزبی خود را با شور و شایستگی و انضباط در خور ستایش به انجام می رساند. پس از نخستین یورش گسترده نهادهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به حزب توده ایران در ۱۷ بهمن ۶۱، رفیق جلوه های درخشانی از روحیه استوار و بیکارجویانه خود را بنمایش گذارد و در واقع نشان داد عضو مومن و وفادار حزب و یار روزهای دشوار و دشوارتر است. یدالله با رفتارش می گفت بیدی نیست که با این پادها بر ریشه استوار خود بزرزد. همزمان یدالله از شور و شجاعت پایان ناپدیر و شخصیت استوارش نیرو می گرفتند.

رفیق نجفی، در اوایل سال ۶۲، وقتی بر سر یک قرار لو رفته، حاضر می شود، خود را در حلقه محاصره می یابد. یدالله را بر ای گذراندن آزمونی بزرگ به شکنجه گاه می برند. او با سرافرازی از هفت خوان شکنجه و شلاق گذر می کند. در دادگاه "شرع" سرپایی به ۵ سال زندان محکوم می شود. سالهای محکومیت راه بی آنکه عشقش نسبت به حزب و خلق کاستی یابد، پشت سر می نهد. در زندان بخاطر استواری و پایداریش در برابر زندانبانان و نقش برجسته ای که در سازمانگری مقاومت زندانبانان ایفا می کرد، کمتر موافقی بود که در سلول انفرادی یا ممنوع الملاقات نباشد.

سراجم رفیق یدالله، مدتها پیش از پایان دوران محکومیت خود، بخاطر پایداری به آرمانهای والای انسانی و انقلابی اش اعدام گردید.

پاینده باد خاطره تابناک رفیق شهید یدالله نجفی!

هنوز آن شمع می تابد، هنوز اشک می ریزد  
درخت سبب شربس که آنجا هست، من دارم نشانه  
به جای پای من بگذار پای خود، ملنگان پا  
مهیچان ز راه رادم  
بخوان ای هم سفر با من!

(نهما)

مبارزه ادامه دارد. باید اندیشه های والای حزب را به میان خلق برد. رفیق باقرزاده مسئول شعبه تبلیغات حزب است. از هر سو بارانی کردم می آیند: از زندان، دانشگاه، مهاجرت، زندگی مخفی... مبارزه شکل عوض می کند اما هیچگاه پایان نمی یابد. حضور حزب در همه جا محسوس است. شعارها، پوسترها و اعلامیه های حزب در هر گوشه ای از میهن، در هر کارخانه و در هر دانشکده بر دیوارهاست. در میان خلق است.

رفیق باقرزاده باز به جوانان می آموزد. نه با نصیحت و اندرز، بلکه با عمل خود، با زندگی خود، با شخصیت خود. و این کاری نیست که از هر کس بر آید.

بار دیگر شکنجه گاه و این بار آزمونی هولناک تر. دشمن حقیر خود را در مقابل این عظمت خوار و زبون می بیند. مصاف دشوار و ناآرامی. یا باید خائنان را تطهیر کنی یا چون آفتاب در هر سبیده بر آبی و در هر شامگاه غروب کنی.

- انتخاب کن!
- الماس وجود آسان به دست نهمده است تا آن رفتار شوکان کنی!
- پس در این صورت باید بشکنی، هزار تکه شوی!

- ای ایله الماس حتی اگر تکه تکه شود، هر تکه آن باز الماس است.

- امثال تو را در گورهای بی نام و نشان خواهیم افکند.

- گوهر نهفته را بیشتر می جویند!

شهادت آخرین درس فروتنانه رفیق باقرزاده بود.

شهادت آخرین درس فروتنانه رفیق باقرزاده بود.

رفیق ابوتراب باقرزاده در سال ۱۳۰۹ در روستای "چهره" از "هلوک بابل کنار" ما زانندان در یک خانواده روستایی بدنیا آمد. دوران کودکی را در روستای زادگاهش گذراند در "دراز گل" و "شیرگاه" به تحصیلات ابتدایی پرداخت. رفیق باقرزاده در سال ۱۳۲۲ برای تحصیلات متوسطه به بابل رفت و تا سال ۱۳۲۹ در این شهر درس خواند. سالهای آخر تحصیلات رفیق در بابل با اوچ گیری مبارزه مردم و نبرد ضد استعماری و ضد استبدادی مصادف شد و او نیز چون هزاران تن از مردم آزاده ما زانندان به این مبارزه عظیم پیوست. برای انسان های رنج دیده و آزاده ای چون رفیق باقرزاده ممکن نبود که در برابر رنج، حرمان و محرومیت هموطنانشان بی تفاوت بمانند. مردم ایران نمی بایست اینگونه زندگی کنند. لازم بود راهی به روشنایی، به سادت جست. و رفیق باقرزاده این راه را یافت و اندکی پس از ورود به دانشکده افسری شهر بانی در سال ۱۳۳۰ به عضویت حزب توده ایران درآمد.

پس از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد، رژیم به او مظنون شد، ولی چون سند و مدرکی علیه وی نداشت، او را به بندرعباس تبعید کرد. پس از کشف شبکه افسری حزب، رفیق باقرزاده به تهران انتقال یافت و او نیز مانند دهها افسر شریف و میهن پرست دیگر به اعدام محکوم شد. یکسال بعد حکم اعدام به حبس ابد تبدیل گردید.

دوران طولانی زندان آغاز شده بود. می بایست حصار "انوشه هارا" این بار به گونه ای دیگر، تداوم بخشید. می بایست به دشمن طبقاتی ثابت کرد که افسران مبارز توده ای همانگونه که با چهره خندان به پای چوبه اعدام می روند، در اعناق سیاهچال نیز هویت طبقاتی و اعتقادی خویش را پاس می دارند. باقرزاده ها معنای عمل خود را نیک می دانستند. تقدیر مبارزه انقلابی و وظیفه ای

## اینها تا آخرین لحظه روی مواضعشان ایستادند و کوتاه نیامدند... رفیق بهرام دانش، سربازی که تا آخرین نفس جنگید



نمی‌یافت. با وجود سی و چند سال دوری از کشور، همراه بانختین امواج انقلاب، رفیق دانش از نو در میان مردم ایران بود و همراه و همگام با آنان، با استفاده از دانش غنی و تجربیات سیاسی و اجتماعی خود، برای تثبیت انقلاب و تحقق آرمانهای آن با درمیان مبارزه گذاشت.

رفیق بهرام دانش که در پلنوم پانزدهم، به عضویت کمیته مرکزی حزب در آمده بود، پس از بازگشت به ایران، آنچه در توان داشت برای پیشبرد کار حزب و امر انقلاب انجام می‌داد.

ارتجاع مذهبی در سیمای رفیق دانش، با کمونیستی سرخست، برکار و معتقد سر و کار داشت که تیغ‌های زهر آگین تهمت و افتراء، چهل و خرافات و تهدید و شانناژ بر او کارگر نبود.

تصادفی نبود که زندانبانان زبون در توجیه جنایات خود نسبت به انسانهای والا می‌مانند رفیق بهرام دانش مجبور شدند اعتراف کنند که: "اینها تا آخرین لحظه روی مواضعشان ماندند و کوتاه نیامدند..."

زحمتکش ایران هیچگاه رفیق بهرام دانش، انسانی که یک عمر با دیکتاتوری شاه و استعمار و امپریالیسم و سپس با رژیم چهل و خرافات رزمید و در این راه جان باخت را، فراموش نخواهند کرد.

استدلال و نحوه بیان او علاقمند شده بودند که در سال ۱۳۵۵، هنگامی که رفیق دانش بعثت بیماری و اختلال در تارهای صوتی مجبور شد مدتی ساکت بماند، با ارسال نامه‌های پی‌درپی جویباری حال و احوال او می‌شدند و از نبودش اظهار نگرانی می‌کردند.

رفیق دانش صفات و کیفیاتی داشت که بحق می‌تواند سرمشقی برای هر انسان انقلابی باشد. او بر اثر مطالعات منظم و داشتن دید وسیع، در تمام دوران زندگی خود به روشنی می‌دانست چه هدفی را دنبال می‌کند و همیشه درست در همانجایی بود که حزب به وجودش بیش از جاهای دیگر نیاز داشت. تردید و دودلی بهنگام پرخش‌های تند در او راه

یکی از فرزندان گرانمایه مردم ایران که در جریان قتل‌عام زندانیان سیاسی در زندانهای جمهوری اسلامی، طی ماههای مرداد و شهریور به چوبه اعدام بسته شد، رفیق بهرام دانش، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، بود. او یک شخصیت برجسته انقلابی و یک رزمنده قدیمی و پرشور علیه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی در دهه‌های پیش از انقلاب بهمین و دانشمندی، روشنگر در سالهای پس از انقلاب است... کمتر شماره‌ای از "نامه" مردم در دوران کوتاه انتشار علنی آن در ایران را می‌توان یافت که مقاله‌ای از رفیق دانش در آن درج نشده باشد. تنها یادآوری این صفحه از زندگی درخشان مبارزاتی او که بمدت نه سال یکی از تهیه‌کنندگان و گویندگان اصلی رادیوی پیک ایران بود، برای بی‌بردن به خدمات ارزنده او به خلق ایران کافی است. رفیق دانش در عین حال یکی از مکاران "مردم" و "دنیا" در خارج از کشور بود و مقالات افشاگر و مستدل او که عمدتاً پیرامون نژادپرستی و مسائل مربوط به ارتش نوشته می‌شد، این جنبه از سیاست خائنانه برانداز رژیم شاه را رسوا می‌کرد.

رفیق بهرام دانش در ۲۱ فروردین ۱۲۹۴ در شهر کرمانشاه، در خانواده‌ای یک دند انسان‌زاده شد. سالهای کودکی را در شهر زادگاهش گذراند. در سالهای ۱۲۰۳ تا ۱۳۰۸ در دبیرستان "سن ژوزف" بیروت، در لبنان تحصیل می‌کرد. در سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۵ دبیرستان را در شهر مشهد تمام کرد و در سالهای ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۷ دانشجوی دانشکده افسری تهران بود. پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده افسری به مشهد رفت و تا سال ۱۳۱۹ در "لشکر شرق" خدمت می‌کرد.

در سالهای ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۲، رفیق دانش مجدداً به تهران بازگشت و افسر مرئی دانشکده افسری گردید. سپس او را به‌عنوان افسر ستاد از توبه مشهد فرستادند.

رفیق بهرام دانش در سال ۱۳۲۲ در مشهد عضویت حزب توده ایران را پذیرفت. یکی از معرفین او به حزب زنده یاد سرگرد اسکندانی، افسر برجسته انقلابی بود. در اواخر سال ۱۳۲۲ نخستین مسئولیت حزبی بعد از رفیق دانش گذاشته شد. این مسئولیت عبارت بود از عضویت در هیئت اجراییه سه نفری سازمان افسری حزب توده ایران در خراسان و مسئول تشکیلاتی این سازمان. او که خود یکی از شرکت‌کنندگان در قیام افسران خراسان (۲۴ مرداد ۱۳۲۴ در مشهد) بود سپس بازداشت گردید و در تهران زندانی شد. در سال ۱۳۲۵، چون خطر اعدام او را تهدید می‌کرد، حزب مقدمات فرار او از زندان و رفتن به آذربایجان را تدارک دید. سپس رفیق دانش افسر ارتش ملی در نهضت انقلابی آذربایجان شد و در آذربایجان همانسال، پس از شکست نهضت از کشور مهاجرت کرد.

این زندگی توفانی، در دوران مهاجرت نیز بصورت‌های دیگر ادامه یافت. رفیق دانش ضمن ادامه تحصیل در رشته‌های فلسفه و زبان فرانسه و خودآموزی، از تسلط خود به زبانهای فرانسه، روسی و آذری، برای کارهای پژوهشی، علمی و ترجمه استفاده کرد و کم‌کم به‌تپه یکی از کادرهای حرفه‌ای حزب در امور تبلیغاتی درآمد. شتون‌گان رادیوی پیک ایران چنان به شیوه



یوسف گم‌گشته باز آید  
به کنعان غم‌مخور

بلبل شوریده باز آید به بستان غم‌مخور  
نوگل پژمرده گردد باز خندان غم‌مخور  
بر سپاه غم‌بتازد لشکر فتح و سرور  
بر سیاهی چیره آید مهر تابان غم‌مخور  
هستی گل‌گردست پادای تاراج رفت  
چونکه می‌آید نوید نو بهاران غم‌مخور  
گر چه منزل بس خطرناکت و مقصد دور دست  
می‌برد چون کاروان این ره به پایان غم‌مخور  
در زمین تفتت‌ار لب‌ها شده چاک از عطش  
دارم امید نو از شهای باران غم‌مخور  
پهلوانان را اگر کشتند در آوردگاه  
باز می‌آید به میدان گرد میدان غم‌مخور  
گر به راه معبد خورشید داری عزم جزم  
از شکست و تهمت و از رنج و حرمان غم‌مخور  
گر چه از بهام وطن مرغ سعادت پر گرفت  
باز می‌آید هم‌پیرام ایران غم‌مخور

# جهانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران را محکوم می کنند

## اعتراض شدید محافل اجتماعی و سیاسی بریتانیا

گروه زیادی از نمایندگان سازمان های مترقی بریتانیا، از جمله رفیق جری بوکاک، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست بریتانیای کبیر در امور بین المللی، و نمایندگان حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست نرو، نمایندگان احزاب برادر از عراق، ترکیه و اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) روز جمعه ۲ دسامبر (۱۱ آذرماه) در جلوی بانک ملی در لندن اجتماع کرده و با شعار "مرگ بر خمینی! زندانی سیاسی آزاد باید گردد!..." خواهان آزادی زندانیان سیاسی ایران و قطع فوری اعدام ها در ایران گردیدند.

- "کمیته دفاع از حقوق مردم ایران" در بریتانیا ضمن انتشار یک اطلاعیه مطبوعاتی و اعلامیه ای خطاب به نیروهای مترقی در بریتانیا خواهان اقدام فوری آنها برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران شد.

- جنبش "لیبریشن" در بریتانیا که بیش از ۱۰۰ نماینده پارلمان و تمامی اتحادیه های کارگری از آن حمایت می کنند با اطلاع از اخبار جنایات وحشتناک رژیم طی نامه های اعتراضی از همه نیروهای مترقی بریتانیا خواست تا فوراً در این زمینه اقدامات عاجل به عمل آورند. سرمقاله مجله ماهیانه این جنبش نیز به کشتار نیروهای مترقی در ایران و عراق اختصاص یافته است. در این مقاله از تمامی نیروهای مترقی خواسته شده است: "سیلی از نامه های اعتراضی خود را به سفارت جمهوری اسلامی در لندن ارسال دارید. تنها اکتفا به این نامه ها نیز کافی نیست، زیرا سفارت جمهوری اسلامی ممکن است از ترس، این موضوع را به اطلاع مقامات ایرانی نرساند. می بایستی تلگرام ها و نامه های اعتراضی خود را مستقیماً به تهران به آدرس خمینی نیز ارسال دارید..."

مر دو نشان می دهد، که تنها هنگامی از صلح راستین سخن می توان گفت، که فزون بر آرامش در مرزها، شرایط داخلی دو کشور امنیت و آزادی افراد را نیز تضمین کند.

روزنامه "برلین غربی می افزاید: "علیرغم جنگ هشت ساله خلیج، صدام حسین و خمینی در برخورد با دشمن داخلی می توانند دست بسوی یکدیگر دراز کنند. هر دو می کوشند، تا در کشور خود آرامش گورستانی پدید آورند. یکی از سیاستمداران آلمان فدرال زمانی پس از بازگشت از تهران گفت: جنگ بدترین مورد نقض حقوق بشر است. با چنین منطقی می توان دیگر بدنبال معامله رفت و حتی از رهبری ایران به تمجید پرداخت. بویژه آنکه گویا تا دهمین سالگرد انقلاب در این کشور عفو عمومی اعلام خواهد شد. البته پس از آنکه زندانها با اعدام زندانیان نیمه خالی گردد."

## عفو عمومی و زندان های خالی!

روزنامه "تاگس تسایوتونگ" ("تاتس") برلین غربی در صفحه اول شماره ۱۲۰ دسامبر خود گزارشی از چند تن از نمایندگان ایرانی در آن شهر که بستگانشان قربانی موج اخیر اعدامها در ایران شده اند، چاپ کرده است. بنوشته این روزنامه "شمار قربانیان این موج اعدامها در ایران از روشیه به این سو چندین هزار است، کارزار مرگ در زندانها نشان می دهد، که زندگی انسانها در ایران تا چه حد ارزش دارد."

"تاتس" با اشاره به برخی از ادعاهای سران رژیم مبنی بر "آزادی فعالیت احزاب" و "عفو عمومی" می نویسد: "تا آنوقت زندانهای ایران تقریباً خالی خواهد شد."

"تاگس تسایوتونگ" در همین شماره تفسیری را نیز زیر عنوان "صلح دوگانه" بقلم بلاتزل چاپ کرده است. در این تفسیر می خوانیم: "هنوز در اواخر اوت، آتش پس در جنگ خلیج برقرار نشده بود و جهانیان به ستایش از کوشش های میانجی گرانه سازمان ملل متحد لب تشکرده بودند، که حکمرانان "بغداد" و "تهران" بار دیگر به دشمن پرداختند؛ تنها با این فرق، که این بار دشمن داخلی بود. نیروی هوایی عراق با گاز سمی بجان اقلیت کرد افتاد و گزیمه های ایران در زندانها به نابودی مخالفان خود پرداختند. این؟



### نامه حزب کمونیست فرانسه به حزب توده ایران: درود به همه مبارزان کمونیست و پیشرو ایران!

حزب کمونیست فرانسه با ارسال نامه ای به رهبری حزب توده ایران، مراتب همبستگی خود را با حزب توده ایران اعلام کرد. متن این نامه به این شرح است:

در شرایطی که تعداد زیادی از کادرها و رهبران حزب توده ایران توسط رژیم تاریک اندیش و دیکتاتور منش تهران اعدام شده اند، حزب کمونیست فرانسه، وظیفه خود می داند که همبستگی فعال خود را بار دیگر با شما اعلام می کند. ابراز احساسات گرم برادرانه تمام کمونیستها را که عمیقاً از وقوع این فاجعه دردناک برای حزب شما متاثر شده اند، به آگاهی تان می رسانیم. کمونیست های فرانسه به مبارزه دشوار و شجاعانه نیروهای دمکرات، مترقی و کمونیست های ایرانی که قربانی اختناق وحشیانه و بی رحمانه هستند درود می فرستند.

در آستانه بزرگداشت چهلمین سالگرد منشور جهانی حقوق بشر، حزب کمونیست فرانسه بار دیگر می خواهد که جمهوری اسلامی به قطع اعدام ها، آزادی زندانیان سیاسی و برقراری آزادی تن در دهد.

ما به شما از پشتیبانی خود در اقدامات برای تشدید و گسترش همبستگی و برای دمکراسی و رعایت حق آزادی و زندگی در ایران اطمینان می دهیم.

حزب کمونیست فرانسه  
پاریس - ۶ دسامبر ۱۹۸۸

### مصاحبه "اونزره تسایت" با عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

"اونزره تسایت" (آلمان غربی) در شماره ۱۹ دسامبر ۱۹۸۸ خود متن مصاحبه ای را با رفیق "سیامک"، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، چاپ کرده است. "اونزره تسایت" در مقدمه ای بر این مصاحبه، که عنوان آن "ایران: کشتار، بقصد پاشیدن تخم یاس در میان مردم" است، می نویسد:

"این روزها دهها هزار زن و مرد ایرانی نگران و با در سوگ بستگان خویش در زندانهای رژیم هستند. آیا جسد آنها در گوشه ای از یک کور جمعی چال شده است؟"

روزنامه آلمان غربی در همین شماره کارت زیر را برای اعضا و ارسال به "کانون حقوق بشر"

### Solidarität



mit den politischen Gefangenen im Iran

UNO-Zentrum für Menschenrechte Palais des Nations

CH 1211 Genf Schweiz

**مصاحبه "اونزره تسایت"...**

سازمان ملل متحد "در ژنو چاپ کرده است. در متن این کارت آمده است: "از طریق "کانون حقوق بشر سازمان ملل متحد" از دولت ایران می‌خواهیم: \* به یک کمیسیون بررسی اجازه سفر به ایران بدهد؛ \* بلافاصله اجرای احکام اعدام را متوقف سازد؛ \* به شکنجه پایان بخشد؛ \* بیدرتگ همه زندانیان سیاسی را آزاد کند."

**انعکاس جنایات رژیم ج.ا. در اتریش**

افشا جنایات وحشیانه رژیم "ولایت فقیه" علیه آزاد اندیشان در بند در رسانه‌های گروهی اتریش انعکاس گسترده‌ای یافت. اقدامات اعتراضی و تبلیغی اعضا و هواداران حزب توده ایران و دیگر نیروهای سیاسی و نیز خانواده‌های زندانیان سیاسی، موجب انتشار مطالب افشاگرانه در نشریات، روزنامه‌ها و همچنین برنامه‌های خبری رادیو و تلویزیون این کشور شد. اعتصاب غذای هواداران حزب توده ایران در وین توجه بسیاری از مردم را برانگیخت و رادیو اتریش نیز گزارش مستندی از آن پخش کرد.

ارگان مرکزی حزب کمونیست اتریش در چند شماره اخیر خود با استناد به منابع حزب توده ایران و نیز دیگر نیروهای اپوزیسیون، سازمان عفو بین‌المللی و خبرگزاری‌های بین‌المللی مطالب گوناگونی پیرامون فاجعه کشتار جمعی زندانیان سیاسی در ایران منتشر ساخت.

حزب کمونیست اتریش و سازمان جوانان کمونیست اتریش در واکنش نسبت به نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران نامه‌های اعتراضی‌ای را برای مجلس شورای اسلامی، سفارت ج.ا.ا. در اتریش و وزیر امور خارجه این کشور ارسال داشتند. در این نامه‌ها، کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران شدیداً محکوم گردیده و از مقامهای مسئول اتریش قاطعانه خواسته شده است که برای توقف این جنایات تلاش کنند.

**تظاهرات خانواده‌های زندانیان سیاسی در برلین غربی**



چنانکه روزنامه "وارهایت" گزارش می‌دهد، در حدود ۲۰۰ تن از بستگان زندانیان سیاسی در ایران در روز چهارمین سالگرد اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد در برلین غربی در وسط شهر به تظاهرات آرام دست زدند. تظاهرکنندگان مشعل بدست، به کشتار هزاران زندانی سیاسی در ایران در سه ماه اخیر اعتراض کردند.

**کسی که براه هیتلر برود ، به سرنوشت او دچار می‌گردد!**

ترو و اختناق ایران حمل می‌گردید. "کشتار زندانیان سیاسی در ایران را متوقف کنید!" "دبروز نوبت شاه بود، اینک خمینی نوبت توست!" "کسی که براه هیتلر برود، به سرنوشت او دچار می‌گردد" و "درودهای گرم به مبارزان و مردم ایران!" از جمله شعارهایی بود که تظاهرکنندگان با خود حمل می‌کردند.

رفیق "گوب"، عضو رهبری حزب کمونیست هند و رفیق "شارما"، عضو رهبری حزب کمونیست هند (مارکسیست) در جمع تظاهرکنندگان قطعنامه مشترکی را قرائت کردند. از آنجا که ماموران سفارتخانه ج.ا.ا. از دریافت قطعنامه مذکور خودداری کردند، تظاهرکنندگان آن را به در سفارت ج.ا.ا. نصب کردند.

این روزها، پایتخت هند نیز شاهد جوش و خروش گروه بسیاری از تظاهرکنندگان ایرانی و هندی بود. به دعوت مشترک اعضا و هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هند، حزب کمونیست هندوستان و حزب کمونیست هند (مارکسیست) در تظاهرات



بزرگی که برای ابراز انزجار نسبت به کشتارهای اخیر در ایران ترتیب داده شده بود، شرکت کردند. در این تظاهرات که در مقابل سفارت ج.ا.ا. در دهلی برگزار شد، پلاکاردها و شعارهایی برای ابراز تنفر و انزجار افکار عمومی نسبت به رژیم

**بزرگترین موج اعدام از سال ۱۹۸۱ تا کنون**

می‌سازد. ارگان حزب کمونیست اتریش خبر می‌دهد، که صدر این حزب، فرانتر موری، دولت فدرال اتریش را به مداخله فوری در راستای خاتمه بخشیدن به "خشونت آمیزترین موارد نقض حقوق بشر" در ایران فرا خوانده است. موری همچنین "همبستگی خود را با پیکار کمونیستها و همه نیروهای مترقی ایران در راه دمکراسی و صلح" اعلام داشته است.

روزنامه "فولکس اشتیمه" (اتریش) به نقل از رهبران اپوزیسیون ایران از "بزرگترین موج اعدام از سال ۱۹۸۱ تا کنون" سخن می‌گوید. "فولکس اشتیمه" می‌نویسد، که بیش از ۴۰۰ تن از اعضای حزب توده ایران در هفته‌های اخیر اعدام شده‌اند. این روزنامه فراخوان‌های حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران را خطاب به افکار عمومی جهان و سازمان ملل متحد برای نجات زندانیان سیاسی کشورمان منعکس

**پیامهای همبستگی با خانواده‌های زندانیان سیاسی در اعتصاب غذا**

رامی‌شناسیم. علیرغم آزمون‌های دشواری که مبارزه بر ما تحمیل می‌کند، مطمئن باشید آن روز فرا خواهد رسید که درد و رنج خلقهای ما با شادی و سرور پیروزی همگان از میان خواهد رفت. به میهن پرستان جان باخته صمیمانه درود می‌فرستیم و همه کسانی را که به مبارزه ادامه می‌دهند، مورد حمایت و ترغیب قرار می‌دهیم.

کمیته ملی استقلال و رشد، اقدامهای جمعی زندانیان سیاسی در ایران، انزجار همه کسانی را که در راه آزادی، استقلال و حقوق بشر مبارزه می‌کنند برمی‌انگیزد. ما همبستگی کامل خود را به این مناسبت با اقدام اعتراضی شما اعلام می‌کنیم.

۷ دسامبر ۱۹۸۸

ژاک لودوفر، مسئول کمیته

•••

کمیته‌های مهاجر شهبایی مقیم فرانسه

با ابراز احساسات برادرانه  
دباز اسکار، مسئول مهاجران  
کمونیست شیلیایی مقیم فرانسه

•••

سازمان همیاری و خدمات به مهاجران، سرویس همیاریهای همگانی سازمان مادر برابر وسعت اقدامهای جمعی زندانیان سیاسی ایران خواستار دخالت فوری سازمان ملل متحد برای پایان دادن به این کشتارها و ارسال یک هیئت بازرسی به زندانیان ایران است.

دایره حقوق بشر

بنام همه رفقای کمونیست شیلی که در فرانسه در مهاجرت بسر می‌برند، افتخار دارم ضمن ابراز درودها، حمایت و همبستگی کامل خود را با مبارزات مردم ایران اعلام کنم. قتل عام وحشیانه میهن پرستان ایرانی بیانگر کینه‌توزی و تروری است که ستمگران از آن بعنوان سلاحی دیرینه در حفظ استیلای خود بهره می‌گیرند. ما، کمیته‌های شیلی، این تجربه تلخ

در هفته گذشته خبر اعدام این رفقایز تاید شد:

★ مهدی کیهان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

★ محمد پور هر مزان عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

★ کسری اکبری کردستانی

اگر جز این می شد تعجب داشت

خبر کوتاه بود: روز یکشنبه ۲۷ آذرماه طرح قانونی شیوه اجرای اصل ۴۲ قانون اساسی، مبنی بر رسیدگی به دارائیهها و اموال مسئولان کشور، در کلیه رده ها، قبل و بعد از تصدی شان، در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و به تصویب نرسید.

اصول "بودار" قانون اساسی که در گرماگرم روزها و ماههای پس از انقلاب، علیرغم خواست باطنی گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" به آنجا راه یافته بود، کم کم و بی سر و صدا به بوته فراموشی سپرده می شود. دیروز شورای نگهبان قانون ملی کردن بازرگانی خارجی را با "اصلاحات" خود تبدیل به قانون سپردن بازرگانی خارجی بدست "مردم" کرد، بعد اصل تامين آموزش را بنگان همگانی برای همه کودکان دختر و پسر ایرانی بصورت قانون تاسیس مدارس "غیر انتفاعی" (برعکس نهاد زنگی کافورا) درآمد و اینک رسیدگی به دارائیهها و اموال غارتگران نورسیده، در مجلس شورای اسلامی "رد شد".

روز سه شنبه ۲۹ آذرماه رفسنجانی، رئیس مجلس، گفت در زمان جنگ دولت مجبور بود همه کارها را در دست خود متمرکز کند ولی اکنون که دیگر چنین ضرورتی وجود ندارد باید کارها را بدست "مردم" سپرد، چرا که نقدینگی در دست "مردم" است.

همه می دانند که این میلیاردها تومان "نقدینگی" در دست کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان نیست، بلکه گروه انگشت شماری از کلان سرمایه داران و بازرگانان بزرگ و برخی از حکام مرتجع رژیم دارندگان آنها هستند.

پس می بینیم که عملکرد رژیم جمهوری اسلامی ایران در راستای تامين منافع بزرگ غارتگران اجتماعی قرار گرفته است و از اینرو تصحیح ندارد اگر خود این غارتگران و بیامعتمدانشان در مجلس جا خوش کرده اند، هرگونه تلاش برای معمول کردن حساب و کتاب و رسیدگی به اموال بغارت رفته مردم را در نطفه خفه کنند.

مردم می بینند مجلسی که می گفتند تکیه گاه "مستضعفان" خواهد بود در عمل سنگر خدمتگزاری به "مستکبران" شده است.

انقلابیون کشور را از سر راه بر می دارد و در درون جامعه به قدرت نمایی می پردازد. متأسفانه چشم اسفندیار جنبش انقلابی کشور، یعنی تفرقه و عدم توافق بر سر مبارزه مشترک در راه هدفهای همگانی، خمینی و پیروانش را در سرکوب مردم و ایجاد خفقان بیشتر جری تر می سازد. آیا این شرایط نباید زنگ خطری برای مردم و نبروهائی باشد که باید به ضرورت تاریخی اتحاد و مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک پاسخ گویند؟

گروهی از رفقای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

که در کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

جان خود را از دست دادند

- |                       |                      |                         |
|-----------------------|----------------------|-------------------------|
| ۱- اصغر آراسته        | ۱۲- اساعیل پور محمدی | ۲۵- عباس قاسمی ملایبی   |
| ۲- حشمت الله آربین    | ۱۴- حمید تاج دینی    | ۲۶- همت فلاوند          |
| ۳- اسد ابراهیمی       | ۱۵- احمد تلخینی      | ۲۷- سعید کاظمی          |
| ۴- همت ابراهیمی       | ۱۶- خشایار خواججهان  | ۲۸- هوشنگ کامرانی مهبئی |
| ۵- سیروس ادیبی        | ۱۷- محمد دریاپاری    | ۲۹- سعید متین           |
| ۶- صمد اسلامی         | ۱۸- حسین رحیمیان     | ۳۰- علیرضا محمدی کبهانی |
| ۷- ناصر الماسیان      | ۱۹- اکبر صادقی بناب  | ۳۱- حمید منتظری         |
| ۸- حمزه الماسی        | ۲۰- نادر صلواتی      | ۳۲- عباسعلی منشی رودسری |
| ۹- پرویز انجی         | ۲۱- مهد الحسین ...   | ۳۳- کاظم همدانیان       |
| ۱۰- محمود بهکیش       | ۲۲- ناصر عطایی       | ۳۴- حسام یگانه          |
| ۱۱- اسد الله پژمان    | ۲۳- جهانگیر هتھی     | ۳۵- داریوش بیوسلی       |
| ۱۲- علی ثقی پور احمدی | ۲۴- حسین قاسم نژاد   | ۳۶- علیرضا اسکندری      |

مسئولان ج.ا. بطور تحقیر آمیز آنان را "گروهک" خطاب می کنند و مثلاً وزیر کشور در مورد بخش بزرگی از آنان (طیف نیروهای چپ) می گوید: "در حال حاضر و خصوصاً بعد از برقراری آتش بس، هم از نظر ایدئولوژیکی و هم از نظر نیرو و هوادار در داخل کشور به بن بست رسیده اند". حال چگونه است که در مقابل این نیروهای "به بن بست رسیده" ۶۰۰ هزار نفر "سیجی" عرض اندام می کنند؟ چگونه است که فقط در مانور میدان خراسان تهران برای حمله به ساختمانی که فلان "گروهک" فرضی در آن است ۲۵ هزار نفر "شرکت می کنند؟ آیا بین این "عملیات" "مجبر العقول" و ادعاهای رژیم در زمینه "یاد شده" تناقض وجود ندارد؟ این مانورها نشان می دهد که نیروهای مترقی و انقلابی نه تنها به بن بست نرسیده اند، بلکه راههای جدیدی را در برابر خود باز می بینند و بخش بزرگی از مردم زحمتکش را بدنبال خود دارند. حداقل می توان گفت که بویژه شعار آزادی که هدف مشترک همه نیروهای سیاسی- اجتماعی است در میان اکثریت مردم راه یافته است. بنابراین مانور رژیم نه در برابر "گروهک" ها که در برابر اکثریت مردم است. این است که در داخل زندانها قتل عام می کند و نخیه

صف آرائی...

قطعنامه ۵۹۸ و آتش بس، شعله های نارضائی در درون جامعه فروکش نکرده است؛ مردم که به خواسته های خود دست نیافته اند از خمینی و پیروانش دل کنده اند، شعار آزادی و دموکراسی به یک نیاز عمومی تبدیل شده است و ... خمینی و پیروان جنایتکارش که هنوز تلخی کشنده زهر پذیرش قطعنامه را در کام خود حس می کنند، می دانند که عقب نشینی بیشتر در برابر مردم و تن دادن به آزادیهای فردی و اجتماعی شکستشان را محتمل می سازد. این است که در برابر آزادی خواهان قدرت نمایی می کنند. روش است که پیشاپیش آزادیخواهان طیفی از نیروهای سیاسی حرکت می کنند، همان نیروهایی که ظاهر اهیچ زمینه ای در درون جامعه ندارند (البته بنا به تبلیغات رژیم)، اما خمینی آرزو می کند ریشه آنان "در تمامی ابعاد" قطع گردد و خامنه ای بسیجی ها را به "آمدگی دفاعی" در برابر آنان فرامی خواند. ظاهر اهدف رژیم از مانورهای نمایی "نیروهای بسیج" ترساندن نیروهایی است که

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!

NAMEH MARDOM NO:240 3 Januar 1989

نشانی های ۱- 1. P.B.49034 10028 Stockholm 49 Sweden  
پستی ۲- 2. Dr. W. SILBERMAYR, PF. 398, A-1141 WIEN, ÖSTERREICH

